قصاص قاتل مدافع وطن

حکم قصاص قاتل پاسدار شهید سجاد شاه‌سنایی به درخواست اولیای دم اجرا شد.

به گزارش تسنیم، بامداد دیروز حکم قصاص مصطفی که در جریان اغتشاشات دی ۱۳۹۶ پاسدار شاه‌سنایی را به ضرب گلوله به شهادت رسانده بود، به تقاضای اولیای دم به اجرا درآمد.

این حکم پس از رسیدگی در شعبه اول دادگاه کیفری یك استان اصفهان صادر و بعد از تایید حکم در دیوان عالی کشور و طی سایر تشریفات دیروز اجرا شد.

متهم پرونده در اغتشاشات سال ۹۶ در کهریسنگ اصفهان به عنوان یکی از کارگردانان حضور داشته و با استفاده از یك قبضه سلاح شکاری به تیراندازی به سوی ماموران اقدام کرده که در نتیجه آن، شهید سجاد شاه‌سنایی که به منظور برقراری نظم و امنیت در محل حضور داشته به شهادت رسیده و شش نفر دیگر نیز مجروح شدند.

متهم بعد از کشتن همسرش جسدش را تکه تکه کرد

خشم و نفرت

معصومه ملکی

حوادث

شهرام مرد میانسالی است که برسر این‌که همسرش با دوستانش در تلگرام و واتس‌اپ در ارتباط بود، دست به اقدام عجیبی زد. همسرش را کشت و جسد مثله شده وی را در بیابان دفن کرد. در «پشت صحنه یك جنایت» این هفته با او گفت‌وگو کرده و در ادامه نظر یك جرم‌شناس را درباره رشته‌های این قتل بررسی کردیم.

به گزارش خبرنگار جام جم، زن جوان چند روزی بود که هر چه با تلفن خواهرش که بهیار بیمارستان بود تماس می‌گرفت، او پاسخ نمی‌داد تا این‌که بیست و ششم اردیبهشت امسال به مقابل خانه دامادخانواده رفت او نیز بی‌خبر بود، اما خودروی خواهرش در حیاط خانه او بود که باعث شد به ماجرا مشکوك شده و به پلیس آگاهی برود و از دامادخانواده به‌عنوان تنها مظنون در پرونده شکایت کند. ماموران از شوهر و پسر زن گمشده تحقیق کرده و متوجه شدند او برای غذا پختن به خانه آنها رفته و بعد آنجا را ترك کرده‌است. این در حالی بود که ماموران متوجه شدند دوستان و همکاران او پیامك‌هایی از گوشی تلفن همراه زن گمشده دریافت کردند که در آن اعلام کرده بود قصد دارد به یك کشور خارجی برود. در ادامه ۱۵ میلیون تومان از حساب بانکی او برداشت و به حساب پسرش واریز شد با تحقیق در این باره معلوم شد پول‌ها را شوهرش برداشت و واریز کرده‌است. این مرد با دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران بازداشت شد. او با اعتراف به این قتل، روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی تهران شد.

از روی خشم، جسد را تکه تکه کردم

مرد همسرکش آرام و خونسرد روی صندلی مقابل بازپرس پرونده نشسته بود و آرام‌آرام از صحنه قتل، مثله کردن جسد و سرقت پول‌های همسرش می‌گفت. آن سوی اتاق، خواهرزنش نشسته و با شنیدن اعتراف‌های دامادخانواده فریاد می‌زد و ضجه‌کنان می‌گفت چطور دلت آمد خواهرم را این‌طور بی‌رحمانه بکشی و ما را داغدار کنی.

چه کاره‌ای؟

در بخش خدمات اداره کل راهداری استان تهران کار می‌کردم.

با همسرت اختلاف داشتی؟

بله. حتی یك بار طلاق گرفتیم.

چرا؟

سال ۸۰ چون تفاهم نداشتیم با داشتن پسر یك سال و نیم‌مان جدا شدیم. بعد من دوباره ازدواج کردم، اما چون زن اولم نمی‌خواست پسرش زیر دست نامادری بزرگ شود، خواست که دوباره با وی ازدواج کنم که همین اختلافات و مشکلات دوباره باعث شد به خاطر بچه‌ام زن دومم را طلاق داده و با زن اول ازدواج کنم. حتی بخشی از مهریه زن دوم را دادم و هر دو ماه در میان باید یك سکه می‌دادم.

شرایط زندگی‌ات بهتر شد؟

خیر. خانواده همسرم در شمال کشور بودند که می‌خواست آنجا زندگی کنیم که مخالف بودم، پدرش فوت کرد و مادرش برای زندگی به تهران آمد که مدام زنم به او سر می‌زد و می‌خواست در حوالی خانه او زندگی کنیم، اما مخالف بودم و سر همین موضوع درگیری‌ها بیشتر شد. مادرش تابستان سال گذشته فوت شد، حال و روز زنم به‌هم ریخت و خواستار جدایی شد. اما نمی‌خواستم طلاقش دهم. به‌ناچار مدتی دور از هم و در دو خانه جدا زندگی می‌کردیم، اما گاهی برای دیدن پسرمان و پختن غذا برای او، به خانه‌ام می‌آمد.

از شب جنایت بگو.

آن شب پسرم با گوشی تلفن مادرش بازی می‌کرد که بعد از آن من گوشی را نگاه کردم، دیدم زنم مدام با همکاران و دوستانش در واتس‌اپ و تلگرام حرف زده و چت می‌کند و گمان بردم آنها نمی‌گذارند او به خانه بازگردد که با هم سر همین موضوع دعوایمان شد. او با قطعه سنگ شکستن گردو به پاهایم ضربه زد، من هم عصبانی شده و با سیم او را خفه کردم. از روی خشم و ترس جسد را مثله کردم، در نایلون گذاشته و در صندوق عقب خودرو گذاشتم، به پسرم راز قتل مادرش را گفتم که از ترس سکوت کرد.

با جسد چه کردی؟

آن را با خودرویم از تهران به بیابان‌های شهریار بردم و دفن کردم، خواستم خودکشی کنم که جرات پیدا نکردم.

بعد چه کردی؟

با گوشی تلفن مقتول به دوستان و همکارانش پیامك زدم که به مسافرت خارج از کشور رفته‌ام. بعد گوشی را در خیابان شکستم و ۱۵ میلیون از پول حساب زنم برداشتم به حساب پسرمان واریز کردم تا اگر دستگیر شدم یا خودکشی کردم او پولی برای هزینه زندگی‌اش داشته باشد. خیلی پشیمانم و دلم برای فرزندم تنگ شده‌است.

ادعای عجیب زنی درباره ناپدید شدن دخترش

پرونده زن میانسال که مدعی است، دخترش بعد از بازداشت او توسط ماموران ناپدید شده، در دادگاه کیفری یك استان تهران رسیدگی شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، یك سال قبل فرزندان زنی با مراجعه به پلیس آگاهی تهران از ناپدید شدن مادرشان خبر دادند. پسر این زن به ماموران گفت: مادرمان بیماری روحی دارد و زن پرخاشگری است. بدرفتاری‌های مادرم باعث شد، چند سال قبل پدرم طلاقش دهد. ما با مادرمان زندگی می‌کردیم، اما پدرمان خرجمان را می‌داد. چند روز قبل او از خانه بیرون رفت و بعد از آن دیگر بازنگشت. نگرانش هستیم و می‌ترسیم به خاطر بیماری‌اش، اتفاق تلخی برای او رخ دهد.

تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد، اما ردی از میترا پیدا نشد تا این‌که بعد از چند ماه، رد او در خانه‌ای اطراف پاکدشت به دست آمد و ماموران با ورود به این خانه، میترا و مرد میانسالی را که آنجا بود بازداشت کردند.

این زن بعد از بازداشت در تحقیقات گفت: یك روز در خانه با فرزندانم دعوا کرده و به حالت قهر از خانه بیرون آمده و با راننده تاکسی آشنا شدم. به او گفتم از این زندگی خسته شده‌ام و مرد میانسال مرا به خانه‌اش برد و به صورت موقت عقد کردیم. بعد از چند ماه صاحب دختر بچه‌ای شده و زندگی سه نفره‌مان خوب بود که ماموران بازداشتم کردند، اما حالا بچه‌ام ناپدید شده‌است.

ماموران در ادامه از راننده تاکسی تحقیق کردند که او گفت: در این مدت همراه میترا زندگی خوبی داشتم، اما ما هیچ‌وقت بچه‌دار نشدیم و نمی‌دانم چرا درباره بچه مشترکمان می‌گوید.

این در حالی است که پرونده این زن و مرد با شکایت فرزندان میترا به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یك استان تهران فرستاده شد که در این جلسه فرزندان میترا اعلام کردند؛ مادرمان اگر داروهایش را مصرف نکند، دچار توهم می‌شود و احتمال می‌دهیم ماجرای بچه هم به خاطر همین توهم باشد. ما از راننده تاکسی که از وضعیت روانی مادرمان سوءاستفاده کرده شکایت داریم.

میترا هم در ادامه گفت: من تاریخ زایمان و بیمارستانی را بچه‌ام را در آنجا به دنیا آوردم، به خاطر دارم. ما صاحب دختربچه‌ای شدیم و شوهرم از سرنوشت او خبر دارد.

پس از رسیدگی، قضات دستور دادند ادعای زن درباره زایمان فرزندش از بیمارستان استعلام شود. همچنین این زن را برای بررسی سلامت روانی‌اش به پزشکی قانونی معرفی کردند.

دردِ دل عمه، با اسیدپاشی گره خورد

زن جوان بعد از آن‌که پای درد دل عمه‌اش نشست برای انتقام از شوهر او، با همدستی پسر جوانی، روی شوهرعمه‌اش اسید ریخت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۶ صبح بیست و ششم خرداد امسال مردی ۶۰ ساله راهی محل کارش در یک برج معروف در شمال تهران شد، اما در خیابان کارون قربانی اسیدپاشی زن و مرد موتورسواری شد.

پس از این حادثه، پرونده‌ای در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران از شاکی تحقیق کردند که معلوم شد او مدام با همسرش درگیر بوده و اختلاف داشتند و نسبت به رفتارهای هم سوءظن داشتند. همچنین شاکی ۶۵ میلیون تومان پول بابت مهریه و نفقه به زنش پرداخته و در خانه‌های جدا زندگی می‌کردند.

پلیس بعد از بازبینی دوربین‌های مداربسته و تحقیقات بعدی دو روز پیش هویت مرد موتورسوار را شناسایی کرد و وی بازداشت شد. متهم گفت: راننده تاکسی اینترنتی‌ام، مدتی پیش با شیوا که طلاق گرفته و فرزند داشت از طریق دوستم آشنا شدم و به خانه اش می‌رفتم. او برادرزاده همسر شاکی بود و از بدرفتاری‌های شوهر عمه‌اش می‌گفت. قصد انتقام از این مرد را داشت من برای او یک بطری اسید به مبلغ ۲۰ میلیون تومان خریدم. روز حادثه مقابل خانه شاکی رفتیم تا او را تعقیب و محل کارش را پیدا کنیم که شیوا با اسید او را سوزاند.

در ادامه شیوا نیز بازداشت شد و گفت: سال‌ها بود شاکی با عمه ام اختلاف و درگیری دارند و جدا زندگی می‌کنند. این اواخر بیشتر پای درد دل عمه‌ام می‌نشستم که فهمیدم خیلی اذیت شده و به او قول دادم شوهرش را با پیدا و تنبیه کنم. به همین دلیل رویش اسیدپاشیدم.

برای دو متهم پرونده قرارقانونی صادر و قرارشد از همسر شاکی هم تحقیق شود.

۴ مصدوم در انفجار بمب صوتی

چهار نفر در انفجار بمب صوتی در زاهدان مصدوم شدند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۸ دقیقه بامداد دیروز چهارشنبه بود که یك بمب صوتی در منطقه زیبا شهر زاهدان در اطراف یك خودروی انتظامی منفجر و موجب خسارت به یك دستگاه خودرو شد. چهار نفر از ماموران انتظامی شهرستان زاهدان بر اثر انفجار بمب صوتی مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند. ساعاتی بعد از اقدامات درمانی از بیمارستان مرخص شدند.

دستگیری مامور قلابی پلیس فتا

نوجوانی ۱۷ ساله که در شبکه‌های اجتماعی خود را مامور پلیس فتا معرفی کرده بود، بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ماموران پلیس فتای تهران هنگام رصد در فضای مجازی متوجه شدند که پسر ۱۷ ساله‌ای در صفحه اینستاگرام‌اش تعدادی از دنبال‌کنندگان خود را که نیاز به دانش انتظامی دارند راهنمایی و از علائم پلیس برای معرفی خود استفاده و خود را پلیس فتا معرفی کرده که در جریان تحقیقات معلوم شد او پلیس واقعی نیست. متهم که ساکن تهران بود شناسایی و بازداشت شد و اعتراف کرد از روی کنجکاوی دست به این کار زده‌است.

مرگ ۲ مرد جوان با قرص لاغری

دو پسر جوان بعد از خرید قرص لاغری از عطاری و مصرف آن، مسموم شده و جان باختند. سومین دوست آنها هم در بیمارستان بستری شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، چهار پسر جوان شامگاه ۱۴ مرداد امسال برای خوردن پیتزا به رستورانی رفته و آخرشب به خانه‌هایشان در محله خانی آباد نو بازگشتند تا این‌که ساعت ۹ و ۴۵ دقیقه دیروز چهارشنبه یکی از آنها که پسر ۱۹ ساله و دانشجوی رشته مدیریت بود به طور مشکوکی در خانه‌اش فوت شد. مرگ مشکوک او به مصطفی واحدی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. پلیس در جست‌وجوی دوستان وی بود که ۲۵ دقیقه بعد خبرمرگ مشکوک پسر ۲۱ ساله دیگری که خانه‌اش در همان محله بود به پلیس گزارش شد. با تحقیق در این باره مشخص شد، او دوست جوان فوت شده‌است که شب قبل همراه او به پیتزا فروشی رفته بود.

با توجه به مشکوک بودن ماجرا، تحقیقات برای یافتن دو دوست دیگر آغاز و یکی از آنها پیدا شد. او در تحقیقات گفت: یکی از دوستانمان به نام سعید از عطاری قرص لاغری خریده بود که بعد از شام او همراه دو دوست دیگرم از آن قرص خوردند اما من نخوردم.

این در حالی بود که پلیس متوجه شد نفر چهارم خودش بعد از خوردن قرص لاغری مسموم و در بیمارستان تحت درمان بوده که اکنون به خانه منتقل شده‌است. در ادامه مرد عطار پیش از ظهر دیروز شناسایی، بازداشت و محل کارش پلمب شد. او مدعی بود جوان‌های فوت شده را نمی‌شناسد و قرص لاغری به آنها نفروخته و دوربین مغازه‌اش هم خراب است و تصویری از مشتریانش ندارد.

با تشکیل پرونده قضایی قرار شد، قرص‌های لاغری مورد بررسی و آزمایش قرار گیرد.

پشت صحنه یک جنایت

سقوط گفتمان میان زوج‌ها

دکتر میرحامدخانی

استاد دانشگاه و جرم‌شناس

وقتی فرزندی حاصل ازدواج است، زوجین هنگام جدایی باید دقت بیشتر داشته باشند تا حد امکان طلاق نگیرند و سعی کنند مشکلات پیش آمده در زندگی‌شان را حل کنند. در این پرونده زوجین با داشتن یك فرزند خردسال به جای حل مشکل طلاق را انتخاب کرده بودند بی‌آن‌که به آینده فرزندشان توجه کنند. مرد دوباره ازدواج کرده و بعد دوباره به خاطر شرایط فرزندش از زندگی دوم جدا شده و دوباره با زن اول خود ازدواج کرده‌است. او با یك تصمیم اشتباه حتی زندگی دوم خود را فروپاشیده‌است.

در چند سال اخیر در بررسی پرونده قتل‌های خانوادگی شاهد آن بودیم که سقوط گفتمان میان زوجین رخ داده، آنها کمتر با هم درباره مشکلات و حتی نظرات خود حرف می‌زنند. سعی نمی‌کنند اختلاف و مشکلات خود را حل کنند. در این پرونده مقتول و متهم به قتل هر دو در شغل‌هایی کار می‌کنند که پرمشغله بوده، زمان کمتری را برای در کنار هم بودن و حرف زدن می‌گذرانند. آنها در شغل‌های خود درگیری ذهنی و کاری فراوانی دارند و وقت زیادی برای یکدیگر یا برای فرزندشان نمی‌گذارند. در جنایت‌های خانوادگی زوجین آنچه را که بر زبان جاری می‌کنند، اجرا نمی‌کنند و سخنان خشمگینانه آنها بعد از چند روز پایان می‌گیرد.

زوجین باید بیشتر با هم گفتمان داشته باشند نه این‌که با خشونت رفتار کنند و تصمیم‌های آنی بگیرند که عاقبت تلخی داشته باشد. خانواده‌ها نباید بعد از هر رفتار واکنش جبران‌ناپذیر نشان دهند. در همین پرونده زن و شوهر با هم اختلاف داشتند، شوهر بعد از دیدن گوشی همسرش سوءظن پیدا کرده و به یکباره تصمیم به انتقام گرفته بی‌آن‌که موضوع را بررسی کند و با او حرف بزند، حرف‌های وی را بشنود. بدون این‌که بفهمد چه کسی چه پیامی را به چه هدفی به همسرش داده، با او درگیر شده و در یك تصمیم آنی دست به قتل می‌زند. مثله کردن جسد توسط متهم میزان کینه و انتقام او از مقتول را نشان می‌دهد.

برای کاهش چنین جرایمی از خانواده‌ها می‌خواهیم در طول روز مدتی گوشی‌های تلفن خود را کنار بگذارند ساعات و زمان بیشتری را برای هم در نظر بگیرند و درباره اختلاف نظرها و مشکلات‌شان با هم حرف بزنند. همچنین نسبت به رفتارهای هم سریع واکنش نشان ندهند و تصمیم‌های عجولانه نگیرند که عواقب تلخی به دنبال آن باشد.

یادداشت

قانون کاهش مجازات حبس به نفع مردم یا دولت؟

محمود زاهدپور

حقوقدان و استاد دانشگاه

بررسی موضوع قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری، به‌رغم این‌که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصل چهارم از کتاب اول مواد ۳۷ لغایت ۳۹ به این موضوع پرداخته است، از نظر فنی و مشکلات راجع به مرحله اجرا و تخفیف مجازات در حین و قبل از اجرا با مقامات محترم قضایی و دادگاه‌هاست اما بررسی آن از نظر علمی با اساتید حقوق است که به دکترین حقوقی موسوم است.

با این وصف نگارنده نیز در حد بضاعت، موضوع را از منظر علمی و به اجمال بررسی می‌کند. در نگاه اول لازم است به این نکته اشاره شود که فلسفه تخفیف مجازات چیست؟ آیا هدف حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندانیان است یا رعایت حال متهمان و از باب رافت اسلامی و کاهش مشکلات خانوادگی و خانواده‌های آنان؟

بررسی عمیق این موضوع از حوصله این مقال خارج بوده و فرصت بسیاری را طلب می‌کند و لازم است دیدگاه‌های مکاتب حقوقی از جمله نظام حقوقی اسلام در این زمینه واکاوی شود. لذا آنچه در بادی امر از تصویب و اجرای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به ذهن متبادر می‌شود، نظریه وضعیت نابسامان زندان‌ها و تراکم جمعیت کیفری زندانیان و آسیب‌های اجتماعی حین و بعد از زندان است که موجب شده قانونگذار درصدد کاهش و تخفیف مجازات‌ها باشد.

لیکن از منظر دیگر، دو نکته در این خصوص از دید قانونگذار مغفول مانده است؛ ۱- برخی مواد موضوع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، جنبه خصوصی داشته و از حقوق الناس است و قانونگذار به جای اشخاص حقیقی تصمیم گرفته و از جانب خود، متهمان برخی جرایم را مورد لطف قرار داده در حالی که به موجب ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از موارد طرح دعوا به موجب ارتکاب جرم عبارت است از «دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون، حق خصوصی بزه دیده است مانند قذف و قصاص.»

حال سوال اینجاست آیا توهین به اشخاص عادی موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، حق خصوصی نیست که در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری شلاق آن حذف و فقط جزای نقدی در نظر گرفته شده است؟ جزای نقدی که به صندوق دولت ریخته می‌شود چه تشفی خاطری برای بزه‌دیده دارد و چه سودی برای متضرر از جرم به ارمغان می‌آورد؟ درخصوص جرم افترا موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی هم شرایط به همین‌گونه است.

قانونگذار برای حفظ حقوق الناس و حق شخصی بزه‌دیده چه سیاستی را در پیش گرفته؟ بدیهی است که در راستای تفسیر مضیق قوانین مساعد به حال متهم، دادگاه‌ها بیشتر جزای نقدی را مورد حکم قرار می‌دهند زیرا تحمل ۷۴ ضربه شلاق یا کمتر از آن برای متهم سخت و دردآور است بنابراین با اعمال مجازات مالی به نفع صندوق دولت ضرر و زیان مادی و معنوی بزه‌دیده جبران نمی‌شود.

۲- این که قانونگذار در بسیاری از متون قانونی دیگر، سکوت کرده و برای کاهش جمعیت کیفری، در جرایمی که از جنبه عمومی مجازات زندان پیش‌بینی شده ورود نکرده و نسبت به تقلیل یا تبدیل مجازات اقدامی انجام نداده است. لاجرم بهتر بود مجازات‌های حبس را تقلیل می‌داد یا کلا به جزای نقدی تبدیل می‌کرد زیرا این‌گونه جرایم از حقوق عامه محسوب می‌شود.

نکته آخر این‌که، از اوصاف قانون، محکم بودن و استواری آن و همچنین دوام و جزالت آن است. دست بردن در متون قانون در فواصل کوتاه از تصویب آن موجب سردرگمی محافل علمی، قضائی و حقوقی در مراحل مختلف رسیدگی و اجراشده و جامعه را با نوعی دور و تسلسل و نگرانی مواجه می‌کند و نیز تورم تقنینی را به همراه داشته و قوانین متعدد را در عرض هم قرار می‌دهد که تفسیر و اجرای آن را در عمل با مشکل مواجه می‌کند.